

سایه جنگ بر بلوط‌های گووار: واکاوی چالش‌های روانی-اجتماعی

نسل جدید در یک ساختار روستایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۰۴)

ناهید احمدی نژاد^۱

اداره آموزش و پرورش منطقه گووار، گیلانغرب، کرمانشاه، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه روستایی گووار از توابع شهرستان گیلانغرب در استان کرمانشاه و تحلیل نقش خانواده در مواجهه با این چالش‌ها انجام شده است. منطقه گووار به عنوان بخشی از نواحی مرزی غرب کشور، علاوه بر ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقتصادی، تجربه تاریخی جنگ را نیز در حافظه جمعی خود دارد. این شرایط می‌تواند بر وضعیت روانی، اجتماعی و هویتی نسل جدید تأثیرگذار باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق منابع اسنادی، مطالعات پیشین و تحلیل زمینه اجتماعی و فرهنگی منطقه گردآوری و تفسیر شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسل جدید در گووار با مجموعه‌ای از چالش‌های روانی-اجتماعی از جمله احساس ناامنی و اضطراب، محدودیت فرصت‌های اقتصادی و شغلی، تعارض میان ارزش‌های سنتی و الگوهای مدرن زندگی، و همچنین احساس محرومیت نسبی در مقایسه با مناطق شهری مواجه است. این شرایط در برخی موارد به گرایش به مهاجرت، سرخوردگی اجتماعی و نگرانی نسبت به آینده منجر می‌شود. در عین حال، نتایج نشان می‌دهد که خانواده و شبکه‌های خویشاوندی در این جامعه روستایی نقش مهمی در ایجاد حمایت عاطفی و تقویت تاب‌آوری

^۱ ahmadinejadnahid1363@gmail.com

اجتماعی ایفا می‌کنند. بر اساس تحلیل یافته‌ها، چالش‌های نسل جدید در این منطقه حاصل تعامل میان عوامل تاریخی، ساختارهای اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی جامعه است. بنابراین، توجه به تقویت سلامت روان جوانان، حمایت از کارکردهای ارتباطی خانواده و توسعه فرصت‌های اقتصادی و آموزشی در مناطق روستایی می‌تواند در کاهش این چالش‌ها و بهبود شرایط اجتماعی نسل جدید مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: چالش‌های روانی-اجتماعی، نسل جوان روستایی، خانواده و تاب‌آوری، گوار (گیلانغرب)، پیامدهای اجتماعی جنگ

مقدمه

جنگ‌ها پدیده‌هایی هستند که آثار آن‌ها بسیار فراتر از عرصه نظامی گسترده می‌شود و نسل‌های متوالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی جنگ می‌تواند تا سال‌ها در جوامعی که در معرض درگیری قرار گرفته‌اند باقی بماند و ساختارهای اجتماعی آنان را دگرگون سازد. به‌ویژه در مناطق مرزی، شدت و ماندگاری این پیامدها بیشتر است، زیرا این مناطق بیشترین تماس را با آسیب‌های مستقیم جنگ تجربه می‌کنند (باراکات، ۲۰۰۳). چنین جوامعی علاوه بر خسارت‌های فیزیکی، با چالش‌هایی همچون اضطراب مزمن، ناامنی اجتماعی، و تغییر در الگوهای ارتباطی و تربیتی مواجه می‌شوند (میلر و راسموسن، ۲۰۱۰). در ایران نیز مناطق غربی کشور، به‌ویژه کرمانشاه و شهرستان‌های مرزی آن، تحت تأثیر گسترده جنگ ایران و عراق قرار گرفتند؛ آثاری که هنوز در زندگی مردم این نواحی قابل

مشاهده است (احمدی، ۲۰۱۷). نسل جدیدی که پس از جنگ متولد شده اند، اگرچه تجربه مستقیم از جنگ ندارند، اما در فضای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متأثر از آن رشد کرده اند. این امر می تواند نوعی ترومای بین نسلی را به وجود آورد که از طریق روایت های تاریخی، خاطرات جمعی، شرایط اقتصادی و شبکه های فرزندپروری منتقل می شود (دانیلی، ۱۹۹۸). منطقه گووار از توابع شهرستان گیلانغرب در استان کرمانشاه، یکی از این مناطق روستایی و مرزی است که آثار جنگ در آن ملموس باقی مانده است. ساختار اجتماعی این منطقه بر پایه روابط خویشاوندی، همبستگی خانوادگی و اقتصاد سنتی استوار است؛ ویژگی هایی که هم می تواند نقش حمایتی در برابر مشکلات روانی-اجتماعی ایجاد کند و هم ممکن است در برخی موارد موجب بازتولید تنش ها و فشارهای ناشی از جنگ شود (صادقی، ۲۰۱۹). در چنین بافتی، نقش خانواده در محافظت از نسل جدید اهمیت دوچندان پیدا می کند؛ زیرا خانواده نخستین بستر اجتماعی برای شکل گیری هویت، امنیت روانی و احساس تعلق است (والش، ۲۰۱۶). بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف توصیفی-تحلیلی به بررسی چالش های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه گووار و تحلیل نقش خانواده در کاهش یا تشدید این چالش ها می پردازد. پرسش اصلی این است که «پیامدهای ماندگار جنگ چه تأثیری بر نسل جدید گووار داشته است؟ و خانواده ها چه نقشی در مدیریت یا پیشگیری از این پیامدها ایفا می کنند؟» پاسخ به این پرسش ها می تواند تصویری دقیق تر از شرایط پساجنگ در جوامع روستایی غرب ایران ارائه دهد و زمینه ساز برنامه ریزی های اجتماعی و روانی مؤثرتر باشد.

بخش اول: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعه پیامدهای روانی-اجتماعی جنگ بر نسل های پس از درگیری، در چارچوب چند نظریه کلیدی، از جمله نظریه های مرتبط با ترومای جمعی و بین نسلی، نظریه تاب آوری، و

دیدگاه‌های جامعه‌شناسی روستایی قابل تحلیل است. مفهوم ترومای جمعی به آسیب‌هایی اشاره دارد که نه تنها فرد، بلکه یک جامعه یا گروه را به طور گسترده درگیر می‌کند. این نوع آسیب‌ها در حافظه جمعی ماندگار می‌شوند و در طول زمان به بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی یک جامعه تبدیل می‌گردند (دانیلی، ۱۹۹۸). از منظر دانیلی، تجربه‌های عمیق روانی و هیجانی ناشی از جنگ، به ویژه در مناطق درگیر، قابلیت دارند که از طریق روایت‌های خانوادگی، الگوهای رفتاری، و حتی سکوت‌های معنادار والدین به نسل‌های بعدی منتقل شوند. بدین ترتیب، «ترومای بین‌نسلی» زمانی رخ می‌دهد که آثار جنگ، بدون تجربه مستقیم، از والدین به فرزندان انتقال یابد و احساس اضطراب، ناامنی و گسست عاطفی در نسل جدید شکل گیرد (میلر و راسموسن، ۲۰۱۰). در مقابل، نظریه تاب‌آوری به سازوکارهایی اشاره دارد که از طریق آن افراد، خانواده‌ها و جوامع توانایی سازگاری و بازگشت به تعادل را پس از بحران یا آسیب پیدا می‌کنند. این نظریه بر پویایی ساختارهای حمایتی، منابع بخشی به رنج و ارتباطات سالم درون خانوادگی تأکید دارد. والش در نظریه خود بیان می‌کند که تاب‌آوری خانواده در سه حوزه سامان معنایی، سازمان‌دهی انعطاف‌پذیر، و فرآیند ارتباطی مؤثر شکل می‌گیرد و این سه بعد می‌توانند در مواجهه با ترومای ناشی از جنگ، خانواده را به منبع قدرت و ترمیم تبدیل کنند (والش، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، در مناطق روستایی، تاب‌آوری بیش از آنکه مفهومی فردی باشد، پدیده‌ای اجتماعی است که در بستر همبستگی و روابط خویشاوندی شکل می‌گیرد (صادقی، ۲۰۱۹). دیدگاه‌های جامعه‌شناسی روستایی به ویژه در زمینه مطالعه مناطق جنگ‌زده، بر نقش خانواده و شبکه‌های خویشاوندی در حفظ انسجام اجتماعی تأکید دارند. در جوامع کوچک و سنتی همچون گوارا، پیوندهای اجتماعی و خویشاوندی، علاوه بر ایجاد حمایت روانی، چارچوبی برای بازسازی جامعه پس از بحران فراهم می‌کنند. با این حال، همان گونه که احمدی اشاره می‌کند، این ساختارها می‌توانند دو وجهی باشند: از یک سو عامل محافظت و از سوی دیگر زمینه‌ساز بازتولید اضطراب و سکوت جمعی نسبت به تجربه‌های تلخ جنگ (احمدی، ۲۰۱۷). از این منظر، فهم پدیده تروما در بافت‌های روستایی نیازمند توجه به ظرافت‌های فرهنگی، ارزش‌های جمع‌گرایانه و الگوهای سنتی تربیتی است که گاه مانع از ابراز

آسیب های روانی می شوند. پیشینه پژوهش ها نیز نشان می دهد که آثار بلندمدت جنگ بر نسل های بعدی، هم در سطوح فردی (نظیر اضطراب، افسردگی و احساس گسست از ریشه ها) و هم در سطوح جمعی (نظیر تغییر در نقش های خانوادگی و ضعف ارتباطات اجتماعی) قابل مشاهده است. یافته های بین المللی بیان می کند که در بافت های پسا جنگ، حتی بدون مواجهه مستقیم، نسل جدید با نوعی اضطراب درونی و نگرانی دائمی از ناامنی روبه رو می شود (میلر و راسموسن، ۲۰۱۰؛ باراکات، ۲۰۰۳). پژوهش دانیلی نیز تأکید می کند که انتقال ترومای حل نشده از والدین به فرزندان از طریق روایت ها و رفتارهای ناخود آگاه، پدیده ای جهانی و قابل مشاهده در تمام جوامع پس از درگیری است (دانیلی، ۱۹۹۸). در ایران نیز تحقیقات انجام شده در غرب کشور، به ویژه در استان کرمانشاه، این الگوها را تأیید کرده اند. احمدی نشان می دهد که بسیاری از خانواده های ساکن مناطق مرزی هنوز با نوعی اضطراب تاریخی زندگی می کنند که بر ارتباطات خانوادگی و تربیت نسل جدید اثر گذاشته است (احمدی، ۲۰۱۷)، و یافته های صادقی نیز تأکید دارد که تاب آوری اجتماعی در این مناطق بیش از هر چیز بر حمایت متقابل شبکه های خویشاوندی و پیوندهای عاطفی خانوادگی استوار است (صادقی، ۲۰۱۹). با توجه به این مبانی نظری و مطالعات انجام شده، می توان گفت که بررسی چالش های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه گوار نیازمند درک هم زمان از سه لایه است: نخست، لایه روانی ناشی از ترومای بین نسلی؛ دوم، لایه خانوادگی مبتنی بر تاب آوری و ساختار حمایتی؛ و سوم، لایه اجتماعی-فرهنگی که در قالب ارزش های روستایی و روابط خویشاوندی عمل می کند. تحلیل هم زمان این لایه ها می تواند در فهم بهتر نحوه تداوم آثار جنگ در حافظه جمعی مردم گوار و چگونگی انتقال آن ها به نسل های پس از جنگ مؤثر واقع شود.

بخش دوم: روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت در زمره مطالعات توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد و با هدف بررسی چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه گوار و تحلیل نقش خانواده در مواجهه با این چالش‌ها انجام شده است. در این رویکرد، پژوهشگر با توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی موجود و بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری مرتبط، به تحلیل و تفسیر روابط میان عوامل اجتماعی و پیامدهای آن‌ها می‌پردازد. روش توصیفی-تحلیلی به‌ویژه در مطالعات اجتماعی و فرهنگی کاربرد گسترده‌ای دارد و امکان بررسی پدیده‌های اجتماعی را در بستر تاریخی و فرهنگی آن‌ها فراهم می‌سازد (خاکی، ۱۳۹۰). گردآوری داده‌ها در این پژوهش به شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. در این بخش، منابع علمی شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی، گزارش‌های علمی و مطالعات مرتبط با موضوع جنگ، ترومای بین‌نسلی، تاب‌آوری اجتماعی و ساختارهای اجتماعی مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. استفاده از این منابع به پژوهشگر امکان می‌دهد تا چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل مسئله پژوهش فراهم کند و یافته‌های تحقیق را در پرتو مطالعات پیشین تفسیر نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳). برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوایی و تفسیر تطبیقی استفاده شده است. در تحلیل محتوایی، مطالب و داده‌های استخراج‌شده از منابع علمی بررسی شده و مضامین اصلی مرتبط با چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند. سپس این مضامین در چارچوب نظری پژوهش تحلیل می‌گردند تا الگوها و روابط میان عوامل اجتماعی مؤثر بر وضعیت نسل جوان مشخص شود. در مرحله تفسیر تطبیقی نیز یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات پیشین و دیدگاه‌های نظری مطرح در حوزه مطالعات جنگ و جامعه‌شناسی روستایی مقایسه می‌شود تا امکان درک عمیق‌تر از پدیده مورد مطالعه فراهم

گردد (کرسول، ۲۰۱۴). جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، جوانان و خانواده های ساکن منطقه گووار از توابع شهرستان گیلانغرب در استان کرمانشاه است. این منطقه به دلیل قرار گرفتن در نوار مرزی و تجربه مستقیم پیامدهای جنگ ایران و عراق، نمونه ای مناسب برای بررسی اثرات بلندمدت جنگ بر ساختارهای اجتماعی و روابط خانوادگی به شمار می رود. تمرکز پژوهش بر نسل جدیدی است که پس از پایان جنگ متولد شده اند، اما در فضایی رشد یافته اند که همچنان تحت تأثیر پیامدهای تاریخی و اجتماعی جنگ قرار دارد.

بخش سوم: توصیف زمینه اجتماعی و فرهنگی منطقه گووار

منطقه گووار از توابع شهرستان گیلانغرب در استان کرمانشاه، یکی از مناطق روستایی مرزی غرب ایران است که ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی و تاریخی آن نقش مهمی در شکل گیری وضعیت اجتماعی ساکنان داشته است. این منطقه در ناحیه ای کوهپایه ای از رشته کوه های زاگرس قرار دارد و پوشش گیاهی غالب آن را جنگل های بلوط تشکیل می دهد که از مهم ترین عناصر طبیعی و نمادهای زیست بومی غرب کشور به شمار می روند. شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه باعث شده است که اقتصاد محلی عمدتاً بر فعالیت های کشاورزی سنتی، دامداری و بهره برداری محدود از منابع طبیعی استوار باشد. در بسیاری از روستاهای این ناحیه، ساختار اقتصادی خانوادگی همچنان نقش مهمی در تأمین معیشت دارد و فعالیت های تولیدی غالباً در چارچوب همکاری های خانوادگی و خویشاوندی انجام می شوند (حافظ نیا، ۱۳۹۳؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از نظر اجتماعی، جامعه روستایی گووار دارای ساختاری مبتنی بر خانواده های گسترده و روابط خویشاوندی نزدیک است. در چنین بافتی، خانواده نه تنها واحد اصلی زندگی اجتماعی محسوب می شود، بلکه کارکردهایی فراتر از نقش های معمول خانوادگی بر عهده دارد؛ از جمله حمایت اقتصادی، انتقال ارزش های فرهنگی، و ایجاد شبکه های همبستگی اجتماعی. این شبکه های خویشاوندی به افراد امکان می دهند در مواجهه با مشکلات اقتصادی یا روانی از حمایت جمعی برخوردار شوند. با این حال، پژوهش ها نشان

می‌دهد که در برخی موارد، همین ساختارهای سنتی می‌توانند فشارهای هنجاری و محدودیت‌هایی را نیز برای نسل جوان ایجاد کنند، زیرا انتظارات اجتماعی و ارزش‌های سنتی در چنین جوامعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی رفتارها و انتخاب‌های فردی دارند (احمدی، ۲۰۱۷). پیشینه تاریخی جنگ در منطقه گیلانغرب نیز از عوامل مهم در شکل‌گیری وضعیت اجتماعی و روانی جامعه محلی است. شهرستان گیلانغرب در دوران جنگ ایران و عراق یکی از مناطق خط مقدم محسوب می‌شد و بارها مورد حملات نظامی و بمباران قرار گرفت. بسیاری از روستاهای اطراف، از جمله مناطق تابعه‌ای مانند گووار، تجربه‌هایی همچون تخلیه اجباری، آوارگی موقت، از دست دادن اعضای خانواده و تخریب زیرساخت‌های معیشتی را پشت سر گذاشته‌اند. چنین تجربه‌هایی آثار عمیقی بر حافظه جمعی جامعه بر جای گذاشته و در قالب روایت‌های خانوادگی، خاطرات مشترک و نمادهای فرهنگی همچنان در زندگی روزمره مردم حضور دارد (باراکات، ۲۰۰۳). مطالعات مربوط به جوامع پساجنگ نشان می‌دهد که پیامدهای جنگ تنها به دوره درگیری محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در قالب ترومای جمعی و بین‌نسلی به نسل‌های بعدی نیز منتقل شود. حتی افرادی که خود جنگ را تجربه نکرده‌اند، ممکن است از طریق روایت‌های خانوادگی، فضای اجتماعی و تجربه‌های والدین، نوعی اضطراب یا ناامنی تاریخی را احساس کنند. این وضعیت در مناطق روستایی که پیوندهای خانوادگی و حافظه جمعی قوی‌تر است، نمود بیشتری دارد و می‌تواند بر نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای نسل جدید تأثیر بگذارد (میلر و راسموسن، ۲۰۱۰؛ دانیلی، ۱۹۹۸). در مجموع، زمینه اجتماعی و فرهنگی گووار را می‌توان حاصل ترکیب شرایط جغرافیایی زاگرس، اقتصاد معیشتی روستایی، ساختارهای خویشاوندی سنتی و تجربه تاریخی جنگ دانست. این عوامل در کنار یکدیگر چارچوبی را شکل داده‌اند که در آن، نسل جدید در تعامل با گذشته‌ای پرتنش و در عین حال در بستر روابط خانوادگی و اجتماعی منسجم رشد می‌کند. درک این زمینه اجتماعی و فرهنگی برای تحلیل چالش‌های روانی-اجتماعی جوانان این منطقه ضروری است، زیرا بسیاری از این چالش‌ها ریشه در همین بستر تاریخی و اجتماعی دارند.

بخش چهارم: چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در گووار

نسل جدید در مناطق روستایی مرزی مانند گووار، در بستری اجتماعی رشد یافته است که هم‌زمان تحت تأثیر تجربه‌های تاریخی جنگ، شرایط اقتصادی محدود و تغییرات فرهنگی ناشی از مدرنیته قرار دارد. این شرایط می‌تواند مجموعه‌ای از چالش‌های روانی-اجتماعی را برای جوانان ایجاد کند؛ چالش‌هایی که در بسیاری از مناطق پسا جنگ و روستایی نیز مشاهده شده‌اند. یکی از مهم‌ترین این مسائل، احساس ناامنی روانی و اضطراب اجتماعی است که ریشه در تجربه‌های تاریخی جنگ و همچنین شرایط ناپایدار اقتصادی و اجتماعی دارد. حتی در نسل‌هایی که مستقیماً جنگ را تجربه نکرده‌اند، فضای اجتماعی و روایت‌های خانوادگی می‌تواند نوعی نگرانی پایدار نسبت به آینده ایجاد کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در جوامع پسا جنگ، ترکیب تجربه‌های گذشته و استرس‌های روزمره می‌تواند زمینه‌ساز اضطراب، نگرانی و احساس بی‌ثباتی در میان جوانان شود (میلر و راسموسن، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، محدودیت فرصت‌های اقتصادی و شغلی در مناطق روستایی نیز بر وضعیت روانی و اجتماعی نسل جوان تأثیرگذار است. اقتصاد معیشتی، کمبود فرصت‌های شغلی پایدار و فاصله از مراکز توسعه یافته شهری باعث می‌شود بسیاری از جوانان با احساس ناامیدی نسبت به آینده شغلی خود روبه‌رو شوند. این شرایط در برخی موارد به کاهش انگیزه اجتماعی، احساس بی‌قدرتی یا گرایش به مهاجرت منجر می‌شود. مطالعات مربوط به توسعه روستایی نشان می‌دهد که نبود فرصت‌های اقتصادی پایدار یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در میان جوانان روستایی است (احمدی، ۲۰۱۷). چالش مهم دیگر در زندگی نسل جدید، تعارض میان ارزش‌های سنتی و ارزش‌های مدرن است. جامعه روستایی گووار همچنان تا حد زیادی بر پایه ارزش‌هایی مانند احترام به بزرگ‌ترها، همبستگی خانوادگی و پایبندی به هنجارهای سنتی استوار است. در مقابل، گسترش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ارتباط بیشتر با جهان بیرون باعث شده است که جوانان با الگوهای جدیدی از سبک زندگی، فردگرایی و انتخاب‌های شخصی آشنا شوند. این دوگانگی گاهی می‌تواند به تعارض در

هویت اجتماعی جوانان منجر شود؛ به گونه‌ای که آنان میان حفظ ارزش‌های سنتی خانواده و تمایل به تجربه سبک زندگی مدرن دچار نوعی سردرگمی یا فشار اجتماعی می‌شوند. چنین تعارض‌هایی در بسیاری از جوامع روستایی در حال گذار مشاهده شده است (گیدنز، ۲۰۰۶). در کنار این مسائل، احساس محرومیت نسبی و گرایش به مهاجرت نیز از چالش‌های مهم نسل جوان در مناطق روستایی به شمار می‌رود. دسترسی محدود به امکانات آموزشی، فرهنگی و شغلی در مقایسه با شهرها باعث می‌شود برخی از جوانان احساس کنند فرصت‌های برابر برای پیشرفت در اختیار ندارند. این احساس می‌تواند به سرخوردگی اجتماعی و در برخی موارد به تصمیم برای مهاجرت به شهرهای بزرگ منجر شود. مهاجرت جوانان نه تنها بر زندگی فردی آنان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند پیامدهایی برای ساختار اجتماعی روستا نیز داشته باشد، از جمله کاهش نیروی کار جوان و تغییر در الگوهای جمعیتی (باراکات، ۲۰۰۳).

علاوه بر این، ضعف خدمات اجتماعی، آموزشی و فرهنگی در نواحی روستایی نیز یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری چالش‌های روانی-اجتماعی جوانان است. دسترسی محدود به امکانات آموزشی پیشرفته، مراکز مشاوره روان‌شناختی، برنامه‌های فرهنگی و فرصت‌های مهارت‌آموزی می‌تواند فرآیند رشد فردی و اجتماعی نسل جدید را با محدودیت‌هایی مواجه کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های آموزشی و اجتماعی در مناطق روستایی می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش احساس امید و مشارکت در میان جوانان داشته باشد (صادقی، ۲۰۱۹). در مجموع، چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در گاوآرا می‌تواند در پیوند میان شرایط اقتصادی محدود، تجربه تاریخی جنگ، تعارض‌های فرهنگی و ضعف زیرساخت‌های اجتماعی تحلیل کرد. این عوامل به صورت متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند و زمینه‌ای را شکل می‌دهند که در آن جوانان در تلاش‌اند میان میراث گذشته، شرایط حال و چشم‌انداز آینده تعادل برقرار کنند. شناخت دقیق این چالش‌ها می‌تواند گامی مهم در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی باشد که به بهبود وضعیت اجتماعی و روانی نسل جدید در مناطق روستایی کمک کند.

بخش پنجم: تحلیل نقش خانواده در مواجهه با چالش ها

در جوامع روستایی، خانواده یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی است که نقش اساسی در شکل دهی به هویت فردی و اجتماعی اعضا ایفا می کند. در مناطقی مانند گووار که با پیامدهای تاریخی جنگ، محدودیت های اقتصادی و تغییرات فرهنگی مواجه بوده اند، خانواده می تواند به عنوان یکی از اصلی ترین منابع حمایت و سازگاری اجتماعی عمل کند. بسیاری از پژوهش های جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی نشان می دهند که خانواده در شرایط بحران یا فشارهای اجتماعی، نقشی تعیین کننده در تقویت تاب آوری فردی و جمعی دارد (والش، ۲۰۱۶). یکی از مهم ترین کارکردهای خانواده در چنین شرایطی، ایفای نقش مرکز تاب آوری است. خانواده با فراهم کردن حمایت عاطفی، ایجاد احساس امنیت و تقویت روابط صمیمانه میان اعضا می تواند به جوانان کمک کند تا با فشارهای اجتماعی و روانی بهتر مقابله کنند. در جوامع روستایی که روابط خویشاوندی و همبستگی خانوادگی قوی تر است، این ظرفیت بیشتر به چشم می خورد. در بسیاری از موارد، شبکه های خانوادگی گسترده می توانند نقش نوعی «حمایت اجتماعی غیررسمی» را ایفا کنند و به کاهش احساس تنهایی یا ناامیدی در میان جوانان کمک نمایند (صادقی، ۲۰۱۹). در عین حال، الگوهای ارتباطی میان نسل ها در خانواده نقش مهمی در نحوه مواجهه جوانان با چالش های اجتماعی دارد. در خانواده های سنتی روستایی، روابط معمولاً بر پایه احترام به بزرگ ترها و انتقال تجربه های زندگی از نسل های پیشین شکل می گیرد. این الگوهای ارتباطی می توانند به انتقال دانش، ارزش ها و راهبردهای مقابله با مشکلات کمک کنند. با این حال، در شرایطی که فاصله فرهنگی میان نسل ها افزایش می یابد — به ویژه در نتیجه گسترش رسانه ها و تغییر سبک های زندگی — ممکن است نوعی شکاف نسلی نیز شکل بگیرد. این شکاف می تواند باعث دشواری در درک متقابل میان والدین و فرزندان شود و در برخی موارد به تعارض در تصمیم گیری ها و انتخاب های زندگی جوانان منجر گردد (گیدنز، ۲۰۰۶). حمایت عاطفی و روانی خانواده از جوانان نیز عامل مهمی در کاهش آسیب های روانی — اجتماعی محسوب می شود. زمانی که جوانان احساس کنند خانواده

به دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و نیازهای آنان توجه دارد، احتمال بروز مشکلاتی مانند اضطراب شدید، احساس انزوا یا سرخوردگی اجتماعی کاهش می‌یابد. در مقابل، ضعف در ارتباط عاطفی یا وجود فشارهای بیش از حد از سوی خانواده می‌تواند بر سلامت روان جوانان تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، کیفیت روابط عاطفی در خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری احساس امنیت روانی و اعتماد به نفس در میان نسل جدید دارد (والش، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، در مناطقی که تجربه جنگ بخشی از تاریخ جمعی جامعه بوده است، انتقال تجربه‌های جنگ در درون خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از والدین یا بزرگ‌ترهای خانواده خاطرات و روایت‌هایی از سال‌های جنگ را برای نسل‌های بعدی بازگو می‌کنند. این روایت‌ها می‌توانند دو اثر متفاوت داشته باشند: از یک سو، انتقال تجربه‌های سختی و مقاومت می‌تواند به تقویت روحیه تاب‌آوری و حس هویت جمعی در میان جوانان کمک کند؛ از سوی دیگر، در برخی موارد بازگویی مداوم تجربه‌های تلخ ممکن است احساس اضطراب یا ناامنی تاریخی را در نسل جدید تقویت کند. پژوهش‌ها درباره ترومای بین‌نسلی نشان می‌دهد که نحوه روایت و تفسیر این تجربه‌ها در خانواده نقش مهمی در تأثیرگذاری آن‌ها بر نگرش و احساسات فرزندان دارد (دانیلی، ۱۹۹۸). در مجموع، خانواده در منطقه‌ای مانند گوار می‌تواند همزمان نقش منبع حمایت و تاب‌آوری و در برخی موارد منبع فشارهای هنجاری را ایفا کند. نحوه تعامل میان نسل‌ها، میزان حمایت عاطفی و شیوه انتقال تجربه‌های تاریخی از عوامل مهمی هستند که بر وضعیت روانی-اجتماعی نسل جوان تأثیر می‌گذارند. از این رو، درک دقیق نقش خانواده در چنین جوامعی می‌تواند به ارائه راهکارهایی کمک کند که ضمن تقویت ظرفیت‌های حمایتی خانواده، زمینه‌های بروز تعارض یا فشارهای اجتماعی بر جوانان را نیز کاهش دهد.

بخش ششم : تحلیل و تفسیر یافته‌ها

بررسی داده‌های توصیفی، منابع اسنادی و مشاهده‌های میدانی نشان می‌دهد که چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه گوار نتیجه تعامل چندین عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. یافته‌ها بیانگر آن است که جوانان این منطقه در بستری رشد می‌کنند که هم‌زمان تحت تأثیر شرایط تاریخی ناشی از جنگ، ساختارهای سنتی روستایی و تغییرات فرهنگی ناشی از مدرنیته قرار دارد. این عوامل در کنار یکدیگر فضایی اجتماعی ایجاد کرده‌اند که در آن نسل جدید با نوعی دوگانگی میان میراث گذشته و الزامات زندگی معاصر مواجه است. ترکیب داده‌های توصیفی و مشاهدات اجتماعی نشان می‌دهد که احساس ناامنی روانی، نگرانی نسبت به آینده شغلی و محدودیت فرصت‌های اقتصادی از جمله مسائل مهم در تجربه زیسته جوانان منطقه است. در عین حال، ساختارهای خانوادگی و شبکه‌های خویشاوندی قوی در بسیاری از موارد نقش حمایتی ایفا می‌کنند و به جوانان کمک می‌کنند تا با فشارهای اجتماعی و اقتصادی مقابله کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که جامعه روستایی گوار، علی‌رغم وجود محدودیت‌های توسعه‌ای، همچنان دارای ظرفیت‌های اجتماعی قابل توجهی برای حفظ همبستگی و حمایت متقابل است. از منظر ساختاری، بسیاری از چالش‌های نسل جدید را می‌توان در پیوند با ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی منطقه تحلیل کرد. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی سنتی، فرصت‌های محدود شغلی و فاصله از مراکز شهری باعث شده است که برخی از جوانان احساس محرومیت نسبی نسبت به همسالان خود در شهرها داشته باشند. در کنار این مسئله، ساختار فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های سنتی نیز گاه می‌تواند محدودیت‌هایی برای انتخاب‌های فردی ایجاد کند. ترکیب این عوامل اقتصادی و فرهنگی موجب شکل‌گیری وضعیتی می‌شود که در آن جوانان میان حفظ هویت سنتی و تلاش برای دستیابی به فرصت‌های جدید اجتماعی قرار می‌گیرند. یافته‌های پژوهش همچنین با برخی از نظریه‌های مطرح شده در مبنای نظری همخوانی دارد. از منظر نظریه ترومای جمعی و بین‌نسلی، تجربه تاریخی جنگ در مناطق مرزی می‌تواند تأثیراتی فراتر از نسل تجربه‌کننده داشته باشد و در

حافظه جمعی جامعه باقی بماند (دانیلی، ۱۹۹۸؛ میلر و راسموسن، ۲۰۱۰). در مورد منطقه گوار نیز مشاهده می‌شود که خاطرات و روایت‌های مرتبط با جنگ همچنان بخشی از فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه را شکل می‌دهند و در برخی موارد بر احساس امنیت و نگرش جوانان نسبت به آینده تأثیر می‌گذارند. در عین حال، نتایج به‌دست آمده با نظریه تاب‌آوری اجتماعی و خانوادگی نیز قابل تفسیر است. بر اساس این دیدگاه، وجود شبکه‌های حمایتی قوی در خانواده و جامعه می‌تواند نقش مهمی در کاهش آثار منفی فشارهای اجتماعی و اقتصادی داشته باشد (والش، ۲۰۱۶). در جامعه روستایی گوار، پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی همچنان یکی از مهم‌ترین منابع حمایت اجتماعی محسوب می‌شوند و در بسیاری از موارد به جوانان کمک می‌کنند تا با مشکلات زندگی روزمره سازگار شوند. در مجموع، تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت روانی-اجتماعی نسل جدید در گوار نتیجه تعامل میان سه سطح اصلی است: نخست، عوامل تاریخی مانند تجربه جنگ و پیامدهای آن؛ دوم، عوامل ساختاری شامل شرایط اقتصادی و توسعه‌ای منطقه؛ و سوم، عوامل فرهنگی و خانوادگی که در قالب ارزش‌ها، هنجارها و روابط اجتماعی بازتولید می‌شوند. درک این تعامل چندلایه می‌تواند به ارائه تصویری جامع‌تر از چالش‌های نسل جدید در این منطقه کمک کند و زمینه را برای طراحی راهبردهای مؤثر در حوزه توسعه اجتماعی و حمایت از جوانان فراهم سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های روانی-اجتماعی نسل جدید در منطقه روستایی گوار حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، اقتصادی و فرهنگی است. تجربه جنگ در این منطقه، محدودیت‌های توسعه‌ای و ساختارهای سنتی اجتماعی، همگی در شکل‌دهی به شرایطی نقش داشته‌اند که نسل جوان در آن رشد یافته است. اگرچه بسیاری از جوانان این منطقه جنگ را به‌طور مستقیم تجربه نکرده‌اند، اما آثار آن همچنان در حافظه

جمعی خانواده‌ها و فضای اجتماعی جامعه حضور دارد و می‌تواند بر نگرش‌ها، احساس امنیت و چشم‌انداز آینده آنان تأثیر بگذارد.

از سوی دیگر، محدودیت فرصت‌های اقتصادی و شغلی در مناطق روستایی، در کنار دسترسی کمتر به امکانات آموزشی و فرهنگی، زمینه‌ساز احساس محرومیت نسبی و گرایش به مهاجرت در میان برخی از جوانان شده است. در عین حال، تعارض میان ارزش‌های سنتی و الگوهای مدرن زندگی نیز می‌تواند فشارهای هویتی و اجتماعی برای نسل جدید ایجاد کند. با این حال، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اجتماعی در چنین جوامعی، نقش خانواده و شبکه‌های خویشاوندی است که می‌توانند به عنوان منبعی مهم برای حمایت عاطفی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی عمل کنند. بر اساس نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که پاسخ به پرسش اصلی تحقیق—یعنی چگونگی تأثیر شرایط تاریخی و اجتماعی منطقه بر وضعیت روانی-اجتماعی نسل جدید—در گرو درک تعامل میان این عوامل چندگانه است. در واقع، وضعیت جوانان در گوار نه صرفاً ناشی از پیامدهای جنگ و نه تنها نتیجه شرایط اقتصادی کنونی است، بلکه حاصل ترکیب این عوامل در چارچوب ساختارهای فرهنگی و خانوادگی جامعه روستایی است. با توجه به این نتایج، چند پیشنهاد قابل طرح است. نخست، تقویت برنامه‌های مرتبط با سلامت روان در مناطق روستایی می‌تواند نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی نسل جوان داشته باشد. ایجاد دسترسی بیشتر به خدمات مشاوره‌ای، برنامه‌های آموزشی مرتبط با مهارت‌های زندگی و فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی می‌تواند به افزایش احساس امید و مشارکت اجتماعی در میان جوانان کمک کند.

دوم، حمایت از نهاد خانواده و تقویت کارکردهای ارتباطی آن اهمیت ویژه‌ای دارد. برگزاری برنامه‌های آموزشی برای والدین و خانواده‌ها درباره شیوه‌های ارتباط مؤثر با نوجوانان و جوانان، می‌تواند به کاهش شکاف نسلی و افزایش حمایت عاطفی در خانواده کمک کند. چنین برنامه‌هایی می‌توانند نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی در سطح خانواده داشته باشند.

سوم، توسعه فرصت‌های اقتصادی و آموزشی در مناطق روستایی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش احساس محرومیت و مهاجرت جوانان محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، حمایت از فعالیت‌های اقتصادی محلی، و ایجاد فرصت‌های مهارت‌آموزی می‌تواند به افزایش مشارکت جوانان در توسعه محلی کمک کند و چشم‌اندازهای جدیدی برای آینده آنان فراهم آورد.

در نهایت، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص هر منطقه در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای ضروری است. در مناطقی مانند گوار، که دارای پیشینه تاریخی خاص و ساختارهای اجتماعی مبتنی بر روابط خانوادگی هستند، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی موجود، زمینه بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی نسل جدید را نیز فراهم کنند. چنین رویکردی می‌تواند به تقویت پایداری اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی کمک نماید.

منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

- احمدی، حسن. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی روستایی و توسعه پایدار. تهران: نشر سمت.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: نشر نی.
- ساعی، احمد. (۱۳۹۳). توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). مسائل اجتماعی روستاهای ایران. تهران: نشر قومس.
- طالب، محمد. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: سمت.

ب: منابع لاتین

- Barakat, S. (۲۰۰۳). *Reconstructing war-torn societies: Afghanistan*. London: Palgrave Macmillan.
- Danieli, Y. (۱۹۹۸). *International handbook of multigenerational legacies of trauma*. New York: Springer.
- Miller, K. E., & Rasmussen, A. (۲۰۱۰). War exposure, daily stressors, and mental health in conflict and post-conflict settings: Bridging the divide between trauma-focused and psychosocial frameworks. *Social Science & Medicine*, ۷۰(۱), ۷-۱۶.
- Walsh, F. (۲۰۱۶). *Strengthening family resilience* (۳rd ed.). New York: Guilford Press.
- World Bank. (۲۰۱۸). *Rural development and poverty reduction strategies*. Washington, DC: World Bank